

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیشگام
۲۲ می ۲۰۲۴

مرگ رئیسی: ماتم جنایتکاران و پایکوبی شادایانه مردم

مرگ رئیسی جلاد یکبار دیگر نشان داد که دره ای عمیق، توده ها را از جنایتکاران جدا می کند. این مرگ بخوبی آشکار ساخت که جلادان، جنایتکاران و خاینان، آن چنان که هم منافع اند، در غم و شادی نیز شریک هستند. این مرگ در عین زمان کینه و تنفر عمیق توده های مردم را از ستمگران و جلادان به نمایش گذاشت. کوتاه این که مرگ رئیسی بوضوح نشان داد که صف مردم از صف جنایتکاران واقعاً جدا است.

با مرگ رئیسی، جنایتکاران و خاینان کشور ما و شماری از قلمچه های شاعر و نویسنده شان به ماتم نشستند و بر سفره عزای این جنایتکار و قاتل مردم ایران، به خصوص سرکوبگر جنبش رهائی بخش زنان اشک اندوه ریختند. از حامد کرزی گرفته تا اشرف غنی، از داکتر عبدالله گرفته تا رنگین سپنتا، از «جبهه مقاومت» احمد مسعود گرفته تا «شورای مقاومت» جهادی ها و از «جبهه آزادی» شورای نظاری ها گرفته تا محقق و داوودزی و طالبان ... همه این خاینان یک صدا بر مرگ این جلادان شیون عزا سر دادند. اینها حتی از عکس العمل آگاهگرانه توده های ایران و افغانستان، که قربانی ستمگری های آخوندیزم ایرانی بوده اند، هم خجالت نکشیدند و به پای مرگ یک جلاد به عزا نشستند. پایکوبی و رقص توده های ایران، سیلی های محکمی بر سیما و صورت خونین و ننگین این جرثومه های خاین به شمار می رود.

رئیسی کی بود و چرا محبوب جنایتکاران است؟

اگر در افغانستان قصابانی داریم، که به قصابان کابل مشهور شده اند، مثل گلبدین و احمدشاه مسعود، مثل سیاف و برهان الدین ربانی، مثل مزاری و دوستم و...؛ توده های ایران هم آخوندی به نام ابراهیم رئیسی را «آیت الله قاتل»، «قاضی مرگ»، «جلاد تهران» و «قصاب دهه ۶۰» لقب داده اند.

رئیسی به حیث معاون لوی خرنوالی در سال ۱۳۶۷ یکی از چهار عضوی هیأت مرگ بود که به دستور خمینی هزاران تن از زندانیان سیاسی را اعدام کردند، اکثریت مطلق آنها چپی ها و روشنفکران متعهد بودند. رئیسی که بعداً معاون قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران شد در سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ و بعد به حیث رئیس قوه قضائیه در سرکوب قیام مردم در عقرب سال ۱۳۹۸ نقش چشمگیر داشت. این قیام به طور وحشیانه سرکوب شد که در نتیجه آن ۱۵۰۰ معترض کشته و صدها تن دیگر اعدام شدند و بالاخره با رئیس جمهور شدنش و قتل بیرحمانه مهسا به وسیله چماق به دستان جمهوری خون و مرگ که با خود ناقوس خیزش «زن، زندگی، آزادی» را نواخت، جانپان رژیم

آخوندی ایران بر معترضان این جنبش یورش بردند و بیش از ۶۵۰ زن و مرد را کشتند و ده ها تن از زنان و دختران جوان را کور کردند و عده زیادی را پس از دستگیری در زندان ها شکنجه و شماری را اعدام کردند. اما مرگ این قاتل، این خونریز و خونخوار که در کشتن آزادی خواهان و زنان و دختران معترض از توده های ایران لقب «قصاب تهران» به دست آورده بود، در کشور ما خاینان را به ماتم نشانده است. این ماتم گویای ماهیت واقعی خاینان ما از جنس طالب، جهادی، تکنوکرات و «روشنفکر» و «دموکرات» است که تنها در شکل و شمایل فرق هائی با هم دارند، ولی مضمون و ماهیت همه یکی است. رابطه این دو را می توان در این سخن نغز بخوبی توصیف کرد: کند همجنس با همجنس پرواز!

این طالب جمهوری اسلامی ایران، این داعش آخوندی، این القاعده رژیم سفاک ولایت فقیه، این جهادی قاتل چه فرقی با ملا هیت الله و طالب دارد که این خاینان در این جا با اکت های تهوع آور ضد طالبی فخر فروشی می کنند و آنجا بر مرگ یک داعشی آخوندی اشک ماتم می ریزند؟

برای درک عمیق از ماهیت واقعی این «ضد طالب ها» و «مقاومتی» ها، چند نمونه از اندوه و ماتم این جانان را بر مرگ یک آخوند جنایتکار اینجا درج می کنیم.

«شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان»، که متشکل از تمام جنایتکاران و خاینان جهادی است، در اعلامیه ای نوشته است: «بدون تردید این رویداد اندوهبار، تنها به ملت ایران منحصر نمانده و مردم افغانستان نیز از آن بشدت متأثر و متالم شده اند.»

«جبهه مقاومت ملی»، که مربوط به شورای نظاری ها است، با نشر اعلامیه ای گفته است: «ما در این شرایط دشوار و در این غم و مصیبت بزرگ در کنار دولت و ملت بزرگ ایران هستیم و خود را شریک این ماتم بزرگ می دانیم.» اشرف غنی، رئیس جمهور فراری در حساب فیس بوک خود نوشته است: «در دیداری که در مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور جدید ایران با ایشان داشتم، وی را شخصیت وطن دوست، مدافع منافع ایران و در عین حال علاقه مند به صلح و ثبات در منطقه و جهان یافتم.»

و بالاخره غمشریکی مفتضحانه و ننگین از آدرس یک «دموکرات» تسلیم طلب و از یک «روشنفکر» مرتد را می خوانیم که با لگدمال کردن خون آزدیخواهان ایران، با تف کردن در خون مهسا، با زهر ریختن در زخم های فرزندان رشید ایران که در دخمه های رژیم آخوندی ایران نابود می شوند، پیشکش رژیم ملامهتی ایران، رژیم داعشی ولایت فقیه، رژیم جهادی خامنه ای می شود. رنگین دادفر سینتا در حساب کاربری ایکس نوشته است: «شهادت جناب رئیسی، رئیس جمهور اسلامی ایران، جناب امیر عبداللہیان وزیر محترم امور خارجه و همراهان شان را به خانواده های محترم شان، مردم برادر و دوت جمهوری اسلامی ایران تسلیت می گویم. مردم نجیب، برادر و هم زبان این همسایه نیک ما همیشه از دشورای ها سربلند و استوار برون آمده اند.»

پیام فوق الذکر این مرید و مدافع رژیم داعشی ایران، در میان پیام های همه سرسپردگان جهادی و طالبی و غیر جهادی و طالبی، کثیفترین، تسلیم طلبانه ترین، شنیع ترین و مذبحانه ترین پیامی است که تحویل رژیم ددمنشانه ایران، قاتل فرزندان آزدیخواه ایران، قاتل خلق سوریه، یمن، فلسطین، عراق، افغانستان و... می شود.

این پیام های ماتم و اندوه خاینان ما در حالی به رژیم سرکوبگر و ستمگر آخوندها مخابره می شوند، که این کثافت ها در افغانستان اکت و ادای دفاع از آزادی، حقوق انسانی، ارزش های دموکراتیک، حقوق زن و مبارزه علیه فاشیست های طالبی درمی آورند. ولی مردم ما دیگر به آن آگاهی رسیده اند که بر ستمگران بیست سال گذشته، بر آنانی که بر مرگ قاتلان توده های ملل دیگر اشک ماتم می ریزند و آنان را از خود می دانند به مثابه چوکره های جنایتکاران طرد

کنند. مبارزه علیه فاشیست های طالب، داعش و سایر ستمگران، بدون موضع گیری قاطع علیه دولت ستمگر داعشی، جهادی و آخوندی ولایت فقیه ایران محال و بی ارزش است. مبارزه علیه فاشیست های طالب، وقتی به ثمر می رسد که مبارزان این راه مدافع آزادی خلق ها، بدون در نظر داشت مرزها باشند. در کشور خود علیه طالب امارتی لافیدن و در همسایه در کنار طالب آخوندی لمیدن، کار انسان های کثیف، جنایتکار، دروغگو، خاین و جاسوس است.

با وجودی که باور داریم که مرگ یک ستمگر بر اثر یک حادثه، به معنای رهایی از ستم نیست؛ چون رهایی از ستم، از هر جنسی که باشد، فقط با بازوان ستبر توده ها ممکن است تا با مبارزه دوامدار، قاطع، پیگیر و سازنده ریشه های هر نوع ستم و استبداد را بخشکانند و به رهایی دست یابند، اما وقتی مردم شر یک جنایتکار سخت جان، قصاب و جلاد را از سر خود کم می ببیند و به رقص و پایکوبی می پردازند، بر ماست که با این رقص شادبانه برقصیم و با خوشی مردم بر ماتم جنایتکاران تف بریزیم.

مردم شریف و عزیز ایران، کارگران و زحمتکشان ایران، خلق زیر ستم و استبداد ایران، برادران و خواهران عزیز و مهربان ایرانی ما، ما افغان ها در شادی شما با شما شادبانه می رقصیم، بگذار جنایتکاران ما در کنار جنایتکارن شما سفره عزا پهن کنند. ما با مرگ «قصاب تهران» شادیم، چون شما شادید.

به امید پیروزی خلق های افغانستان و ایران بر استبداد و فاشیزم.